

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نحوه رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه

کیفری یک و دو، انقلاب، اطفال و نوجوانان، نظامی یک و دو به ضمیمه دادگاه  
تجدید نظر و شعب تعزیرات حکومتی

(بر مبنای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ و به صورت کاربردی)

سید مهدی صنعتی (قاضی تجدید نظر نظامی)

مجید عطایی جنتی (قاضی دادگستری)

سرشناسه صنعتی، مهدی ا. شناسه افزودن خطایی جنتی، مجید

عنوان نحوه رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری یک و دو، انقلاب اطفال و نوجوانان، نظامی یکم و دو به ضمیمه دادگاه تجدید نظر و شعب تعزیرات حکومتی ابر مبنای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴ و به صورت کاربردی، تکرار نام پدید آورنده: مؤلفان سید مهدی صنعتی، مجید خطایی جنتی، مشخصات نشر: قم،

حقوق پویا، ۱۳۹۷، شابک: 978-622-99074-2-9 ISBN

وضعیت فهرست نویسی: فیا، یادداشت: کتابخانه، موضوع: رویه قضایی - ایران، موضوع: ضابطان دادگستری - ایران

- شرح وظایف، موضوع: آیین دادرسی جزایی - ایران، موضوع: آیین دادرسی مدنی - ایران، موضوع: حقوق - جزا

- ایران - دعاری ۱، رده بندی کنگرد: ۱۳۹۷، ۳۹ ص، KMH ۳۶۰

رده بندی دیویی: ۳۹۱۵۵، شماره مدرک: FATIIVIV

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی و ...) از این اثر بدون اخذ مجوز از ناشر خلاف قانون بوده و

پیگرد قانونی دارد.

لطفاً در صورت مشاهده موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

## نحوه رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه

سید مهدی صنعتی قاضی دادگستری (تجدید نظر)

مجید خطایی جنتی قاضی دادگستری



حقوق پویا

ناشر:	حقوق پویا
چاپ:	سرمدی / اول ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰
قیمت:	۲۷۰۰۰ تومان
شابک:	978-622-99074-2-9

### مراکز پخش:

قم / خیابان ارم / جنب بانک ملی / پاساژ ناشران / پلاک ۲۲

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰ / ۰۲۵-۳۷۷۴۹۱۷۴

کانال تلگرام: @nashrchoghoghpeyoya

تهران / نشر میزان ۶۶۴۶۷۷۰

تهران / کتاب آوا ۶۶۹۷۴۱۳۰

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری دو	۵
فصل اول: صلاحیت دادگاه کیفری دو	۸
گفتار اول: صلاحیت ذاتی	۸
گفتار دوم: صلاحیت محلی	۱۴
گفتار سوم: صلاحیت شخصی	۱۵
گفتار چهارم: صلاحیت‌های اضافی	۱۸
گفتار پنجم: حل اختلاف در صلاحیت	۲۳
فصل دوم: جریان دادرسی در دادگاه کیفری دو	۳۲
گفتار اول: طرق ورود پرونده به دادگاه	۳۲
گفتار دوم: مقدمات رسیدگی	۳۳
گفتار سوم: جلسه رسیدگی	۴۲
گفتار چهارم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاه بخش	۵۲
گفتار پنجم: ارزیابی دلایل	۵۷

فصل دوم: رسیدگی دادگاه به قرارهای مورد اختلاف یا اعتراض ..... ۸۹

گفتار اول: قرارهای مورد اعتراض یا اختلاف دادسرا ..... ۸۹

گفتار دوم: شیوه رسیدگی دادگاه کیفری به قرارهای دادسرا ..... ۹۸

فصل سوم: نحوه صدور رأی در دادگاه‌های کیفری ..... ۱۰۳

گفتار اول: مقدمات صدور دادنامه ..... ۱۰۳

گفتار دوم: مندرجات رأی دادگاه و دادنامه ..... ۱۰۶

فصل سوم: اقدامات و تصمیمات دادگاه پس از صدور دادنامه ..... ۱۱۱

گفتار اول: اقدامات دادگاه ..... ۱۱۱

گفتار دوم: آراء دادگاه ..... ۱۱۴

بخش دوم: آیین دادرسی دادگاه کیفری یک ..... ۱۲۳

فصل اول: صلاحیت دادگاه کیفری یک ..... ۱۲۵

گفتار اول: صلاحیت ذاتی ..... ۱۲۵

گفتار دوم: صلاحیت اضافی ..... ۱۲۸

گفتار سوم: رد دادرسی ..... ۱۳۱

فصل دوم: جریان دادرسی در دادگاه کیفری یک ..... ۱۳۴

گفتار اول: مقدمات رسیدگی دادگاه‌های کیفری یک ..... ۱۳۵

گفتار دوم: تشکیل جلسه دادرسی در دادگاه کیفری یک ..... ۱۵۰

فصل دوم: نحوه صدور رأی ..... ۱۶۶

۱۶۹.....	بخش سوم: آیین دادرسی دادگاه های تجدیدنظر استان
۱۷۱.....	فصل اول: وظایف دادگاه بدوی در نیال تقاضای فرجام خواهی
۱۷۱.....	گفتار اول: ابلاغ صحیح دادنامه
۱۷۲.....	گفتار دوم: ثبت تقاضای تجدیدنظر خواهی
۱۷۲.....	گفتار سوم: اخذ هزینه دادرسی
۱۷۲.....	گفتار چهارم: رفع نواقص تقاضاهای واصله و صدور قرار پذیرش یا رد تقاضا
۱۷۲.....	فصل دوم: آراء قابل تجدیدنظر خواهی و مرجع رسیدگی
۱۸۱.....	فصل سوم: جهات تجدیدنظر خواهی
۱۸۳.....	فصل چهارم: مقدمات رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۱۸۷.....	فصل پنجم: شیوه دادرسی دادگاه تجدیدنظر استان
۱۹۱.....	فصل ششم: نحوه صدور حکم در دادگاه تجدیدنظر استان
۱۹۹.....	بخش چهارم: مقررات خاص رسیدگی در سایر مراجع کیفری
۲۰۱.....	فصل اول: مقررات خاص محاکم نظامی
۲۰۲.....	گفتار اول: حدود صلاحیت محاکم نظامی
۲۰۸.....	فصل دوم: تشکیلات محاکم نظامی
۲۱۱.....	گفتار سوم: جریان دادرسی در محاکم نظامی
۲۱۸.....	گفتار چهارم: جریان دادرسی در محاکم نظامی زمان جنگ
۲۲۳.....	فصل دوم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاه اطفال
۲۳۴.....	فصل سوم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاههای انقلاب
۲۴۰.....	فصل چهارم: مقررات خاص سازمان تعزیرات حکومتی

بخش پنجم : نحوه رسیدگی به دادخواست های حقوقی ضمن دعای کیفری ..... ۲۴۹

منابع ..... ۲۶۵

## مقدمه

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و الحاقات آن راجع به آیین دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک (مصوب ۱۳۹۳) و همچنین اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴، که از ابتدای تیرماه سال ۱۳۹۴ اجرایی گردید، تحولی در زمینه تحقیقات مقدماتی و دادرسی دادگاههای کیفری به وجود آمد که برخی از این تحولات به شرح ذیل است:

- ۱- توسعه حقوق متهمان، گواهان، بزه دیدگان و خانواده آنان
- ۲- توسعه قرارهای تأمین کیفری و وضع قرارهای نظارت قضایی
- ۳- تفکیک دادگاههای کیفری به: کیفری یک - کیفری دو - انقلاب - اطفال و نوجوانان - نظامی یک - نظامی دو - نظامی زمان جنگ - تجدیدنظر نظامی
- ۴- الزام به رسیدگی مستقیم برخی از جرائم در دادگاه (جرائم منافی عفت - درجات ۷ و ۸ - جرائم اطفال)
- ۵- وضع تشریفات رسیدگی خاص برای رسیدگی در دادگاه کیفری یک (الزام به تعیین وکیل برای جرائم مهم - اخطار اعلام ایراد و اعتراض به طرفین پرونده - تهیه گزارش از پرونده و سپس تشکیل جلسه مقدماتی اداری، ارسال تصویر کیفرخواست برای متهمان، ...)
- ۶- یکسان نمودن مقررات رسیدگی دادرسیها و دادگاههای نظامی با تشکیلات مشابه در دادگستری
- ۷- اعتبار بخشی به دادرسی الکترونیک از جمله احضار و ابلاغ اوراق قضایی به صورت تلفنی، نمابر، پیامک، ...

گرچه حدود سه سال از زمان آغاز اجرای قانون اخیر الذکر می‌گذرد، اما علاوه بر وجود ابهام و اجمال در برخی مواد آن، هنوز هم برخی از نوآوری‌های این قانون اجرایی نشده است که از آن جمله است: عدم تشکیل واحد مددکاری اجتماعی (ماده ۲۸۶ قانون) و عدم امکان تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان (ماده ۲۰۳ قانون)، عدم تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۳۱ قانون).

در هر حال، با وجود همه کاستی‌های نظری و اجرایی، به نظر می‌رسد که اجرای درست این قانون می‌تواند به تضمین رعایت حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی و دادرسی کیفری کمک نماید کما اینکه اشکالات موجود نیز با اصلاحات و اقدامات بعدی قابل رفع می‌باشد.

یکی از رویکردهای مثبت این قانون، متحد الشکل نمودن شیوه دادرسی در کلیه دادگاههای کیفری است اعم از دادگاههای کیفری یک و دو، دادگاههای انقلاب، دادگاه اطفال و دادگاههای نظامی. مضاف بر اینکه برابر ماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی نیز برابر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید مگر در مواردی که مقررات خاصی در خود قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای دادرسی پیش بینی شده باشد.

لازم به ذکر است که برابر ماده ۱۸ قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۳۹۲) رسیدگی قاضی شورای حل اختلاف نیز در پرونده‌های کیفری در صلاحیت این شورا، از حیث اصول و قواعد، تابع قانون آیین دادرسی کیفری است. تبصره یک همین ماده منظور از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی را شامل مقررات ناظر بر صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی و مانند آن اعلام نموده است.

بنابر آنچه گفته شد در این تحقیق هر کجا که در مورد شیوه دادرسی در دادگاه کیفری ۲ بحث شده، همین مباحث در خصوص دادگاه اطفال، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی ۲ و شعب سازمان تعزیرات حکومتی نیز کاربرد دارد مگر در مورد مقررات اختصاصی آنها که در فصل مجزایی مورد بحث قرار گرفته اند. همچنین هر جا در مورد شیوه دادرسی دادگاه کیفری یک بحث شده همین مقررات در مورد دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاههای انقلاب در مورد رسیدگی به جرائم با تعدد قاضی و دادگاه نظامی یک نیز همین مباحث کاربرد دارند مگر در مورد مقررات اختصاصی مراجع اختصاصی اخیر. در نهایت هر کجا



## **بخش اول**

### **آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری دو**

دادگاه کیفری ۲ را می‌توان دادگاه مادر در رسیدگی به امور کیفری دانست چرا که اصل بر صلاحیت این دادگاه برای رسیدگی به کلیه جرائم است مگر مواردی که صراحتاً در صلاحیت دادگاه کیفری یک و یا سایر مراجع قضایی قرار گرفته است. ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک. در این خصوص مقرر داشته: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.»

این دادگاه برابر ماده ۳۹۵ ق.آ.د.ک. «با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در حوزه قضائی هر شهرستان تشکیل می‌شود.» دادگاه کیفری دو در همه دادگستری‌های کشور تشکیل شده است بر خلاف دادگاه کیفری یک که معمولاً در مراکز استان‌ها تشکیل شده‌اند. البته دادگاههای بخش نیز علاوه بر سایر صلاحیت‌ها (رسیدگی به دعاوی حقوقی و رسیدگی به جرائم در صلاحیت بازپرس) عملاً همان وظایف دادگاه کیفری دو را به عهده دارند.

• **نکته ۱:** دادرس دادگاه کیفری دو علاوه بر انجام وظیفه در دادگاه، گاهی به عنوان جانشین بازپرس نیز انجام وظیفه نموده و همانند بازپرس تحقیقات مقدماتی جرائم مهم را انجام می‌دهد. برابر تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک. «در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضائی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد.» دادرس دادگاه در خصوص ماده قانونی اخیر به عنوان «جانشین بازپرس» انجام وظیفه می‌نماید و از کلیه وظایف و اختیارات مقرر برای بازپرس (موضوع مواد ۸۹ تا ۲۸۴ ق.آ.د.ک.) برخوردار است.

پرسش کاربردی ۱، منظور از دادرس دادگاه در تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک آیا صرفاً دادرس دادگاه کیفری دو است یا شامل دادرس دادگاه کیفری یک نیز می‌شود؟

پاسخ؛ گرچه تبصره اخیر اطلاق دارد و شامل هر دو مورد می‌شود، لکن رویه قضایی صرفاً دادرسی دادگاه کیفری دو را به عنوان جانشین بازپرس می‌شناسد به خصوص اینکه دادگاه کیفری یک معمولاً در مراکز استان‌ها تشکیل می‌شود که بازپرس به حد کفایت در این مراکز وجود دارد و معمولاً این عدم دسترسی به بازپرس در شهرستان‌ها اتفاق می‌افتد که معمولاً دادرسی کیفری دو در شهرستان‌ها وجود دارد.

#### فصل اول: صلاحیت دادگاه کیفری دو

صلاحیت دادگاه‌ها از قواعد امره بوده و اولین سؤالی که قاضی دادگاه قبل از ورود به ماهیت پرونده بایستی از خود بپرسد این است که آیا این دادگاه صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ است که دادگاه وارد رسیدگی ماهوی می‌شود و الا بایستی نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت اقدام نماید. بحث صلاحیت دادگاه کیفری دو در پنج گفتار شامل صلاحیت‌های ذاتی، محلی، شخصی، اضافی و قواعد حل اختلاف در صلاحیت به شرح آتی بررسی می‌گردد:

#### گفتار اول: صلاحیت ذاتی

مقتن علی رغم استعمال اصطلاح ذاتی، در مواد مختلفی از جمله مواد ۲۱۲، ۲۸۴، ۲۱۸، ۲۰۳ و ...، تعریفی از صلاحیت ذاتی، ارائه ننموده است. سابقاً در تبصره ۲ ماده ۲۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ملاک خوبی برای تشخیص صلاحیت ذاتی آمده بود: «صلاحیت مراجع قضایی دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری و صلاحیت دادگاههای عمومی نسبت به دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی همچنین صلاحیت دادگاه بدوی نسبت به مراجع تجدیدنظر از جمله صلاحیت‌های ذاتی آنان است.»

با توجه به ملاک فوق مصادیق صلاحیت ذاتی به شرح ذیل است: ۱- صلاحیت محاکم عمومی نسبت به محاکم اختصاصی و بالعکس، ۲- صلاحیت مراجع قضایی نسبت به مراجع غیر قضایی، ۳- صلاحیت مراجع قضایی پایین‌تر نسبت به مراجع بالاتر، ۴- صلاحیت

محاكم کیفری نسبت به محاکم حقوقی.

به نظر می رسد که مقنن در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، دادگاههای کیفری را از منظر صلاحیت ذاتی به چهار دسته تقسیم بندی نموده است: ۱- دادگاههای عمومی کیفری (شامل دادگاههای کیفری یک و دو و دادگاه اطفال)، ۲- دادگاههای انقلاب، ۳- دادگاههای نظامی، ۴- دادگاههای تجدیدنظر.

در بین دادگاههای عمومی کیفری (کیفری یک و دو و اطفال) گرچه تقسیم کار شده و محدوده وظایف هر یک مجزا است لکن این تقسیم کار مانع از این نیست که دادگاه کیفری یک در موارد تعدد اتهام، به اتهامات در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ و یا دادگاه اطفال رسیدگی نماید (مواد ۲۱۲ و تبصره ۱ ماده ۲۱۲ و ۲۱۵) و یا دادگاه کیفری ۲ در موارد عدم تشکیل دادگاه اطفال، وظایف آن را بر عهده بگیرد (تبصره ماده ۲۹۸). البته برعکس این موضوع صادق نیست و دادگاه کیفری دو یا دادگاه اطفال، صلاحیت رسیدگی به پرونده های در صلاحیت کیفری یک را ندارند. در ادامه مواد مربوط به صلاحیت ذاتی محاکم کیفری ۲ مورد بررسی قرار می گیرند.

**ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک.** «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.»

استثنا مهم در این خصوص، جرائم مذکور در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. است که رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک است.

• **نکته ۲** با توجه به صلاحیت عام محاکم کیفری، دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارد مگر جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت سایر مراجع قضایی قرار گرفته باشد. بنابراین در رسیدگی های کیفری، اصل بر صلاحیت دادگاه کیفری دو است و هر جا که شک کردیم موضوع در صلاحیت سایر دادگاهها هست یا خیر، باید به اصل مراجعه کرد.

**ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک.** «هر کس متهم به ارتکاب جرائم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دو و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتداء در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد، محاکمه می شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می شود. در صورتی

که اتهامات از حیث مجازات مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی، کیفری یک یا کیفری دو محاکمه می‌شود.

نصرت ۱- هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و با اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.

نصرت ۲- چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده (۲۰۳) این قانون در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

• نکته ۳: ملین گر چه صلاحیت های ذاتی دادگاه های کیفری یک و کیفری دو را از تفکیک نموده و دادگاه کیفری دو امکان رسیدگی به پرونده های در صلاحیت دادگاه کیفری یک را ندارد لکن در صورت تعدد جرم، که رسیدگی به یک اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، رسیدگی به همه اتهامات متهم را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده است. گر چه این قاعده در زمان حکومت قانون سابق نیز وجود داشت لکن با اجرایی شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و لزوم اجرای مجازات اشد در موارد تعدد جرم (ماده ۱۳۴ قانون اخیر الذکر) ضرورت این رسیدگی توأمان بیشتر احساس می‌شود.

• نکته ۴: در باب اهمیت صلاحیت های محلی و ذاتی همین بس که عدم رعایت این صلاحیت ها از موجبات نقض دادنامه در مرجع تجدیدنظر است (بند پ ماده ۴۵۰ و بند ۳ ماده ۴۶۹ ق.ا.د.ک.). ضمناً برابر بند ۵ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات، عدم رعایت صلاحیت ذاتی و محلی از تخلفات انتظامی برای قضات محسوب می‌شود.

#### گفتار دوم: صلاحیت محلی

رعایت صلاحیت محلی، اقتضاء آن را دارد که هر جرم در دادگاهی رسیدگی شود که در حوزه قضایی همان دادگاه ارتکاب یافته است. البته این اصل استثنائاتی دارد که در ادامه صلاحیت محلی و استثنائات آن بررسی می‌شود:

ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک. «متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.»

• نکته ۵: صدر ماده در مقام بیان صلاحیت محلی است اما در ادامه برای جلوگیری از صدور آراء متناقض، پیش بینی نموده که اگر متهم مرتکب چند جرم در چند حوزه قضائی گردد، با رعایت صلاحیت ذاتی، به ترتیب ذیل یکی از حوزه‌ها به همه اتهامات وی رسیدگی نمایند: ۱- رسیدگی به همه جرائم در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. ۲- چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. ۳- در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

پرسش کاربردی ۲: شخص الف مرتکب یک فقره کلاهبرداری ساده در تهران، یک فقره جعل سند رسمی در قم، یک فقره زنا با عفت در اصفهان و یک فقره توهین به کارمند دولت در اراک شده است که نهایتاً در شیراز دستگیر شده، رسیدگی به اتهامات وی در صلاحیت کدام دادگاه یا دادگاه‌ها است؟

پاسخ: اولاً باید دید که صرف نظر از صلاحیت محلی، رسیدگی به این اتهامات در صلاحیت کدام دادگاه‌ها است؟ به جز زنا با عفت که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، سایر جرائم وی در صلاحیت دادگاه کیفری دو می‌باشد. بنابراین رسیدگی به همه اتهامات متهم برابر مواد ۳۱۳ و ۳۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری در صلاحیت دادگاه کیفری یک اصفهان است که زنا با عفت مستقیماً در دادگاه و سایر جرائم در دادرسی عمومی و انقلاب اصفهان تعقیب می‌شود.

### احاله پرونده

احاله از استثنائات وارده بر صلاحیت محلی است. مواد ۲۱۸ تا ۲۲۰ ق.آ.د.ک. در همین خصوص مقرر نموده است:

ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. «در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضائی به حوزه قضائی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رئیس حوزه قضائی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان و از حوزه قضائی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

تبصره- در مورد جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضائی استان یا موافقت رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح انجام می‌شود.»

• نکته ۶ احاله پرونده‌های مطرح در دادسرا به تقاضای دادستان و در مورد پرونده‌های مطرح در دادگاه، به تقاضای رئیس حوزه قضائی (حسب مورد رئیس دادگستری شهرستان و یا رئیس سازمان قضائی ن.م. استان) به عمل می‌آید. تقاضای احاله از سوی این مقامات می‌تواند پیرو درخواست قاضی رسیدگی کننده پرونده باشد و یا مستقلاً و بدون اطلاع قاضی رسیدگی کننده درخواست احاله نمایند.

سؤال کاربردی ۳: آیا در مرحله اجرای حکم امکان احاله پرونده وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: در این خصوص دو نظر قابل طرح است: نظر اول: مقصود مقنن از عبارت «در هر مرحله از رسیدگی کیفری» در صدر ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. رسیدگی به معنای خاص کلمه است که در مواد ۱، ۳۳۵ و ۳۵۹ و سایر مواد به کار رفته و صرفاً شامل رسیدگی در دادگاه می‌شود. نظر دوم: محدود کردن مفهوم «هر مرحله از مراحل رسیدگی» به رسیدگی در دادگاه، با فلسفه احاله پرونده (تسریع و تسهیل در رسیدگی) منافات داشته، مضاف بر اینکه یکی از متقاضیان احاله در ماده ۲۱۸ دادستان می‌باشد که طبیعتاً دادستان

در مورد پرونده های مطرح در دادرسی از اینک در مرحله تحقیقات مقدماتی باشد با مرحله اجرای حکم، درخواست احاله می نماید. بنابراین به نظر می رسد که منظور مفتن از عبارت عام « در هر مرحله از رسیدگی کیفری» شامل تحقیقات مقدماتی، رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم می باشد. بدیهی است که در صورت احاله پرونده در مرحله اجرای حکم، کلیه اختیارات دادگاه صادر کننده دادنامه بدوی (مانند رسیدگی به اعسار) یا قطعی (مانند آزادی مشروط) نیز به دادگاه جانشین در حوزه قضایی جدید منتقل می شود.

ماده ۲۱۹ ق.آ.د.ک: احاله در موارد زیر صورت می گیرد:

الف: متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

ب: محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیکی بودن به محل وقوع آن، آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.

نیمه - احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.

ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک: علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوانعالی کشور، رسیدگی به حوزه قضائی دیگر احاله می شود.

نیمه - در جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، رئیس این سازمان می تواند به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضائی دیگر احاله کند.

• نکته ۷ احاله پرونده برای تأمین دو هدف قابل طرح است: ۱- تسهیل و تسریع در رسیدگی، ۲- حفظ نظم و امنیت عمومی؛ علاوه بر تفاوتی که بین این دو مورد در مقامات درخواست کننده احاله وجود دارد، احاله به منظور تأمین هدف اول باید با رعایت حقوق



شاکی قابل درخواست است ولی در احاله با هدف دوم، رعایت حقوق عمومی مدنظر است.

• نکته ۸: تبصره ماده اخیر الذکر اختیاری به رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح داده که معادل آن را حتی به رئیس قوه قضائیه نیز نداده است! به عبارت دیگر اگر رئیس قوه قضائیه بخواهد به منظور حفظ نظم عمومی پرونده ای را از حوزه ای به حوزه قضائی دیگری احاله نماید باید ابتدا از دیوان عالی کشور کسب مجوز نماید لکن رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح در مورد پرونده های مطرح در این سازمان می تواند رأساً پرونده را احاله نماید.

در پایان این بحث، سه نمونه رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور جهت تبیین بیشتر صلاحیت محلی ذکر می شود:

۱- هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رای شماره: ۱۳۸۳/۷/۲۱۶۶۹ مقرر نموده: «در رویه متداول سیستم یکپارچه بانکها، به دارنده چک اختیار داده شده است

که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید. بنابراین

در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه سی و پنجم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص می گردد. این رای براساس ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، برای کلیه شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه، لازم الاتباع می باشد.»

۲- رای وحدت رویه شماره ۷۲۱ - ۱۳۹۰/۴/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضائی شروع و نتیجه آن در حوزه قضائی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود. بر این اساس رأی شماره ۱۳۸۵۵/۷/۲۰۱۰۲۵ شعبه بیست و هفتم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به

اکثریت آراء صحیح و منطقی با موازین قانون تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌های سراسر کشور لازم‌الاتباع است.<sup>۱</sup>

۲- رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ - ۱۳۹۱/۱۲/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

نظر به اینکه در صلاحیت محلی، اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم است و این اصل در قانون جرایم رایانه‌ای نیز - مستفاد از ماده ۲۹ - مورد تأکید قانون گذار قرار گرفته، بنابراین در جرم کلاهبرداری مرتبط با رایانه هرگاه تمهید مقدمات و نتیجه حاصل از آن در حوزه‌های قضایی مختلف صورت گرفته باشد، دادگاهی که بانک افتتاح کننده حساب زیان دیده از بزه که پول به طور متقلبانه از آن برداشت شده در حوزه آن قرار دارد صالح به رسیدگی است. بنا به مراتب آراء شعب یازدهم و سی و دوم دیوان عالی کشور که براساس این نظر صادر شده به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص و تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.<sup>۲</sup>

### گفتار سوم: صلاحیت شخصی

«صلاحیت شخصی یعنی صلاحیت یک مرجع بر اساس شخصیت مرتکب، به عبارت دیگر گاهی به جای موضوع اتهام، شخصیت مرتکب، ضابطه تعیین صلاحیت دادگاه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در این شکل از صلاحیت، موضوع اتهام تعیین کننده صلاحیت ذاتی نبوده بلکه صلاحیت ذاتی بر پایه شخصیت متهم تعیین می‌گردد.»<sup>۳</sup>

قانون به اعتبار سمت رسمی برخی مقامات کشوری و استانی، با هدف حفظ شأن و جایگاه این مقامات در حوزه کاری خود و شاید به قصد پیشگیری از طرح شائبه اعمال نفوذ این مقامات در دادگاه، رسیدگی به جرائم این مقامات را در صلاحیت محاکم کیفری مرکز استان و یا پایتخت قرار داده است. می‌توان می‌گفت که صلاحیت شخصی استثنایی بر صلاحیت محلی نیز هست چرا که به جای رسیدگی به اتهامات مقامات در محل وقوع جرم، رسیدگی به

۱ - خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هشتم، مهر ۱۳۹۲، تهران، ص ۲۷.

آن در صلاحیت محاکم دیگری در مرکز استان یا پایتخت قرار گرفته است.

#### الف) صلاحیت محاکم تهران:

ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محلهای سرلشکری و با فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کلی اطلاعات استان‌ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.

در همین جا بایستی اشاره نمود که علاوه بر صلاحیت شخصی محاکم تهران، در قوانین پراکنده صلاحیت‌های اضافی پیش‌بینی شده است که از آن جمله می‌توان به رسیدگی به جرائم موضوع قانون مجازات اخلاص گران در امنیت پرواز (از جمله هواپیما ربایی) و رسیدگی به اتهام رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، در محاکم تهران اشاره نمود.

تبصره ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک. «هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاههای کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده (۳۰۸) نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.»

• نکته ۹ برابر اصل یکصد و چهلم قانون اساسی ج.ا.ا. «رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می شود.» به نظر می رسد لزوم اطلاع به مجلس در این خصوص، از حیث اعمال وظیفه نظارتی مجلس در مورد صلاحیت این مقامات برای تصدی مأموریت های محوله است.

#### ب) صلاحیت محاکم مراکز استانها

ماده ۳۰۸ ق.آ.د.ک. «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان ها، شرکتها و مؤسسه های دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه ها، سازمان ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه های عمومی غیردولتی استان ها و شهرستان ها، رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاههای کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

• نکته ۱۰ علاوه بر صلاحیت شخصی محاکم مراکز استانها به شرح فوق، در قوانین پراکنده نیز صلاحیت هایی برای این دادگاه ها پیش بینی شده است از جمله قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۹۴، هر گونه فعالیت اقتصادی و کمک مالی به نفع افراد تروریست و یا سازمانهای تروریستی جرم بوده و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاههای کیفری یک مراکز استان ها است لکن اگر این جرائم در خارج از کشور ارتکاب یافته باشد، رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاههای کیفری یک استان تهران است.

ماده ۳۰۹ ق.آ.د.ک. «صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.»

• نکته ۱۱ به نظر می رسد که با توجه به تصریح مقنن در ماده اخیر به قبل و حین تصدی مشاغل موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون، اگر بعد از خاتمه تصدی این مشاغل، جرمی از این مقامات کشف شود که مربوط به دوران تصدی ایشان بوده، رسیدگی به موضوع تابع